

نقش ارتباطات نوین و فناوری اطلاعات در تحول مفهوم دیپلماسی

احمد سلطانی نژاد، * محمدحسین جمشیدی * و ولی گل محمدی ***

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۸/۱۷	تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۷/۲۰
------------------------	-----------------------

فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحولات گسترده‌ای را در عرصه روابط بین‌الملل به وجود آورده است که مفاهیم و موضوعات اصلی آن اعم از قدرت، امنیت، حاکمیت، فرهنگ، توسعه و دیپلماسی تغییرات منحصر به فردی را تجربه کرده‌اند. به موازات رشد و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، ماهیت دیپلماسی متحول شده است به گونه‌ای که اشکال جدیدی از دیپلماسی با عنوان؛ دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی نوین، دیپلماسی مجازی و دیپلماسی علم و فناوری مجال ظهور و بروز یافته‌اند. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی روابط علمی بین دو متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و دیپلماسی به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که در عصر جدید، فناوری اطلاعات و ارتباطات چه تأثیری بر مفهوم و اشکال دیپلماسی داشته و چگونه موجب تحول کارکرد آن شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فناوری اطلاعات و ارتباطات با استفاده از شبکه‌های اینترنتی، ارتباطی و رسانه‌ای؛ دستور کار و کارکرد دیپلماسی سنتی را به چالش کشیده و دیپلماسی صرفاً به ایجاد صلح و جلوگیری از جنگ محدود نمی‌شود؛ بلکه موضوعاتی چون؛ فعالیت‌های تروریستی سازمان یافته، افراتی‌گری‌های مذهبی، چالش‌های زیست‌محیطی، مدیریت اطلاعات و اینترنت، اقعان افکار عمومی داخلی و جهانی برای همسو کردن با سیاست‌های اعمالی، خلع سلاح هسته‌ای، جلوگیری از خشونت‌های ساختاری دستور کار دیپلماسی عصر اطلاعات را تعیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی؛ فناوری اطلاعات؛ دیپلماسی رسانه‌ای؛ دیپلماسی عمومی نوین؛ دیپلماسی مجازی؛ دیپلماسی علم و فناوری

* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛ Email: soltani@modares.ac.ir

** استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛ Email: jamshidi@modares.ac.ir

*** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛

Email: v.golmohammadi19@gmail.com

مقدمه

توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و به موازات آن تحولات سریع در حوزه روابط بین‌الملل سبب شده است بسیاری از مفاهیم سنتی این حوزه دستخوش تغییر و دگرگونی گسترده‌ای شوند به نحوی که ماهیت برخی از مفاهیم روابط بین‌المللی تغییر کرده و مسائل جدیدی جایگزین رویکردها و مفاهیم سنتی شده است. تحت تأثیر شرایط جدید بین‌المللی، دیوید روسکاف^۱ واژه جدیدی را با عنوان سایبر پالیتیک^۲ مطرح می‌سازد که در آن بر ماهیت در حال تغییر مفاهیم روابط بین‌الملل در عصر اطلاعات تأکید می‌کند. مارک زاجر از پژوهشگران کانادایی سرشناس در علوم سیاسی، از ارکان رو به نابودی معبد وستفالیایی، پرستشگاه اندیشه سیاسی جهان برای قریب به سه قرن خبر می‌دهد. وی معتقد است که معاهده ۱۶۴۵ وستفالی، دولت را قدرت فائق و حاکم در محدوده جغرافیایی خود می‌شناخت، اکنون، دنیا روند گذاری اساسی را تجربه می‌کند و از سامانه سیاسی مبتنی بر دولت‌های صاحب اختیارات فراوان به سامانه‌ای که در آن دولت‌ها در تور شبکه‌ای از وابستگی متقابل گرفتار آمده‌اند، تغییر می‌کند (Zacher, 2000). جان روگی، از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، استدلال می‌کند که شاهد تغییری هستیم نه تنها در بازی سیاسی بلکه در میدان شکل‌گیری بازی (Ruggie, 1993). جیمز روزنا، نویسنده کتاب *جهان پر آشوب*، عصر حاضر را دربردارنده نقطه عطفی به سوی سیاست پساروابط بین‌الملل^۳ می‌شمارد (Rosenau, 1990). به اعتقاد گروهی از اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل، محرک‌های عصر اطلاعات زمینه ظهور کلان‌الگو (پارادایم)‌های سیاسی نوینی را فراهم آورده است (گنجی‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۰۸-۱۸۶).

تحولات برآمده از رشد و پیشرفت بی‌سابقه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطاتی همچون اینترنت باعث تغییرات ساختاری و بازتعریف در مفهوم، کارکرد و دستور کار دیپلماسی شده است. اتصال دورترین نقاط و دورافتاده‌ترین ملت‌ها به یکدیگر از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و الکترونیکی، تسهیل ورود بازیگران جدید به عرصه روابط بین‌الملل؛ مداخله جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی منطقه‌ای و بین‌المللی در مسائل داخلی و خارجی کشورها، طرح عناوین نوینی چون دهکده جهانی، حقوق شهروندان جامعه جهانی، چرخش آزاد و سریع

1. David Rothkopf

2. Cyberpolitik

3. Post-international Relations

اطلاعات، رواج تجارت الکترونیک و تحقق مبادلات میلیاردی در چند ثانیه بدون اطلاع دولت‌ها و سازمان‌های دولتی، حاکی از روندی است که ماهیت، محتوا و شکل دیپلماسی را متحول و نیازمند بازتعریف کرده است که اشکال جدیدی از دیپلماسی را مطرح ساخته است. از این رو گزاف نخواهد بود چنانچه دیپلماسی در عصر جدید را مواجه با انقلاب بدانیم.

با توجه به اهمیت روزافزون فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در عرصه روابط بین‌الملل و کارکرد دیپلماسی، سؤال اصلی پژوهش حاضر بر این نقطه متمرکز می‌شود که؛ دیپلماسی در عصر فناوری اطلاعات چه تحولات مفهومی و شکلی را تجربه کرده و عصر جدید که مشخصه اصلی آن شبکه‌های ارتباطی نوین می‌باشد، چگونه بر کارکرد دیپلماسی تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ به سؤالات مذکور، ابتدا، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات را روی مفهوم و کارکرد دیپلماسی بررسی می‌کنیم، سپس با توجه به ویژگی‌های عصر جدید، اشکال نوین دیپلماسی را مورد پژوهش قرار داده و در نهایت، به موازات تحولات مفهومی و شکلی دیپلماسی، دستور کارهای جدید دیپلماسی را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ و دیپلماسی؛ تحول در مفهوم و کارکرد

با توجه به ماهیت در حال تغییر مفهوم دیپلماسی، در تعریف آن اجماع نظر وجود ندارد. در رویکرد واقع‌گرایان در نظریه روابط بین‌الملل، جهان مجموعه‌ای است از کشورهای واحد، با حاکمیت یکسان و دیپلماسی ابزاری برای تقویت منافع کشور در راستای تأمین موازنه و حفظ تعادل است که به تعبیر مورگنتا، «دیپلماسی ابزاری است برای نیل به صلح از طریق مدارا» (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۲۶). دیپلماسی در مفهوم محدود آن، به شیوه مسالمت‌آمیز سیاسی در حل و فصل منازعات بین‌المللی اطلاق می‌شود که علی‌الاصول در نقطه مقابل بهره‌گیری از روش‌های قهرآمیز نظامی قرار می‌گیرد، ولی در شکل گسترده و وسیع آن به معنای مدیریت سیاست خارجی است که طی آن همه اقداماتی را که یک دولت در روابط خارجی خود در زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، فناورانه، امنیتی و نظامی انجام می‌دهد، شامل می‌شود. به عبارت دیگر، تحت این شرایط، دیپلماسی همه الگوهای رفتاری یک دولت را

در عرصه روابط بین‌الملل پوشش می‌دهد؛ تا آنجا که تجلی منافع، استراتژی‌ها و اولویت‌بندی هدف‌های ملی یک دولت را می‌توان به‌صورت عینی و ملموس در چارچوب دیپلماسی ملاحظه کرد. بر این اساس، در برخی موارد اصولاً دیپلماسی با سیاست خارجی مترادف انگاشته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: درحالی که سیاست خارجی به‌صورت جوهره هدف‌ها و گرایش‌ها در روابط دولت‌ها با یکدیگر است، دیپلماسی پوششی است برای اجرای سیاست خارجی و راهی است جهت عملیاتی کردن هدف‌ها، منافع و استراتژی‌ها در محیط بین‌المللی (قوام، ۱۳۸۴: ۱۸-۷).

محیط جدیدی که مفاهیم در حال تغییر روابط بین‌الملل با آن روبه‌رو شده است صرفاً محصول انقلاب اطلاعاتی نیست بلکه حاصل سه انقلاب مرتبط با یکدیگر است. اولین آنها پایان جنگ سرد است که موجبات کاهش نقش ایدئولوژی در دیپلماسی را فراهم ساخت (Leguey and Jean, 2009: 54-63). ظهور و بروز فضای سیاسی جدید بعد از جنگ سرد به دلیل تغییر در ارزش‌های سیاسی بوده است که به دنبال یافتن جایگزین یا آلترناتیوی برای نقش مرکزی دولت به‌عنوان بازیگر اصلی نیست بلکه شمار زیادی از بازیگران غیردولتی و نهادهای بین‌المللی در گستره جهانی را در معادلات سیاسی دخیل کرده است. به‌موازات افزایش نقش بازیگران غیردولتی در معادلات بین‌المللی، ماهیت و مفهوم دیپلماسی تغییر کرده است. درحالی که نهادهای دولتی و بین‌دولتی مذاکرات دوجانبه را مورد نظر دارند، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی مذاکرات و جلسات چندجانبه را در اولویت خود قرار داده‌اند (Gilpin, 1987: 256).

عامل دوم، انقلاب اقتصادی است که بر اثر نیروهای آزادسازی، خصوصی‌سازی و جهانی شدن شکل گرفته است. انقلاب اقتصادی یک تقاضای سیری‌ناپذیری از اطلاعات، شفافیت و فرایند سیاسی باز را ایجاد کرده است که بازرگانان و شرکت‌های چندملیتی به‌عنوان بازیگران جدید در بازار جهانی، فضای تحول در دستور کار و ابزارهای دیپلماسی را مطرح کرده‌اند. با توجه به نقش تحولات اقتصادی در تغییر مفهوم دیپلماسی، سانر و یو بر این باورند که در عصر جدید شش فعالیت جدید دیپلماتیک برای دیپلمات‌ها وجود دارد که دربرگیرنده دیپلماسی اقتصادی، بازرگانی، همکاری، تجاری، دیپلماسی بازیگران غیردولتی ملی و فراملی است که در نهایت نشان‌دهنده تأثیر مستقیم جهانی شدن روی دیپلماسی است. عنصر سوم، انقلاب اطلاعاتی است. انقلاب اطلاعاتی عاملی است که همه عوامل دیگر را تحت تأثیر خود قرار

داده است. فناوری‌های اطلاعاتی پیشرفته ابزارهای جدید ارتباطی را فراهم ساخته است که سلسله‌مراتب موجود قدرت و روابط بین بازیگران بین‌المللی را تغییر داده است. انقلاب اطلاعاتی و محیط جدید بین‌المللی دسترسی به فناوری اطلاعات را به‌عنوان منبع قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی ترسیم کرده است. سه روند مذکور تأثیر بسزایی روی محتوا، مفهوم و عملکرد دیپلماسی در فضای بین‌المللی داشته است (Saner and Yiu, 2003: 54-58).

در عصر معاصر به‌ویژه در دوران پساجنگ سرد، هر یک از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، از تلگراف، رادیو، تلویزیون و ماهواره گرفته تا ابزارهای نوینی مثل رایانه و اینترنت، ندای مرگ دیپلماسی سنتی را سر می‌دهند. در صورتی که بر آن باشیم تا تأثیر انقلاب ارتباطات را در گستره دیپلماسی و سیاست خارجی بیان کنیم باید از ایجاد ارتباطات متعامل، تمرکززدایی،^۱ شتاب‌زدگی، بسط‌یافتگی و فرامتن‌گرایی^۲ صحبت کنیم. ارتباطات گسترده افراد، نهادها و اجتماعات غیردولتی، نتیجه افزایش تماس‌های بی‌شماری است که زیرساخت‌های عمومی و خصوصی ارتباطات راه دور، امکان برقراری آن را فراهم آورده است (Rothkopf, 1998: 334-336). در چنین شرایطی، سازوکارهای دیپلماسی سنتی نمی‌تواند بستر تحول و تطابق با مطالبات عصر حاضر را فراهم کند، به این معنا که رویدادهای امروز را دیگر نمی‌توان از منظر پارادایم مسلط روابط بین‌المللی که بعد از شکل‌گیری نظام جهانی بر پایه عهدنامه وستفالی و دولت-ملت‌ها حاصل شد، درک کرد. بدیهی است به‌موازات تحول جوامع، سناریوهای جدیدی در قلمرو روابط بین‌الملل محقق می‌شود که اولویت‌های نوین همراه با اتخاذ شیوه‌های جدید را می‌طلبد. پیروی صرف از اصول، اهداف و طرح‌های کلاسیک دیپلماسی دیگر پاسخ‌گوی نیازهای دیپلماتیک نوین نیست. در چنین بستر نوینی، عامل اصلی پدیدآورنده تغییرات که اتصال‌دهنده و تسریع‌کننده سایر نیروهای ایجادکننده تغییرات است، فناوری ارتباطات و اطلاعات است. عاملی که لزوم طرح اشکال و مفاهیم جدید در حوزه دیپلماسی نوین را ضروری ساخته و سازوکارهای دیپلماسی سنتی را از ادبیات روابط بین‌الملل و موضوعات سیاست خارجی به حاشیه رانده است.

گوردن اسمیت،^۳ دیپلمات و سیاست‌مدار کانادایی، دیپلماسی سنتی را «هنر تأمین منافع

1. De-concentration
2. Hypertextuality
3. Gordon Smith

ملی براساس عمل اقتناع^۱ تعریف می‌کند (Smith, 2001: 84). امروزه با توجه به تحولاتی که در عرصه اطلاعات به وقوع پیوسته است، نه تنها چارچوب بلکه محتوای دیپلماسی به شدت دگرگون شده و مفهوم عمل اقتناع به هر حوزه، هر مکان و هر فردی که به طریقی با هریک از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در پیوند بوده یا تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد، گسترانده شده است. علاوه بر این، حوزه منافع ملی که دیپلماسی سنتی در پی تأمین آنها بود، دیگر محدود به مطالبات سنتی نمی‌شود، بلکه منافی چون؛ افزایش نقش در اقتصاد جهانی، مهاجرت بین‌المللی، بحران‌های زیست‌محیطی، مسئله تروریسم، قاچاق مواد و دارو، عدم اشاعه تسلیحات و تهدیدات سایبری، وارد اولویت‌های سیاست خارجی کشورها شده است.

با گسترش نفوذ ارتباطات و تعاملات فنی میان دولت‌ها، دیپلماسی از مفهوم سیاسی استراتژیک نسبتاً محدودی که زمانی بر آن حمل می‌شد، فراتر رفته است. در چنین شرایطی، مناسب نیست که با قائل شدن معنایی محدود یا رسمی برای دیپلماسی، آن را تنها متعلق به وزرای خارجه و دستگاه دیپلماتیک بدانیم، چه بسا طیف وسیعی از کارمندان دیگر وزارتخانه‌ها با مؤسسات و هم‌تایان خارجی خود در اجرای دیپلماسی در معنای فنی کلمه می‌پردازند. همچنین ممکن است مقامات سازمان‌های مختلف همچون صندوق بین‌المللی پول^۲ و دبیرخانه سازمان ملل متحد با هم یا شرکت‌های خارجی و یک حکومت میزبان، در حال اجرای دیپلماسی باشند. در اواخر قرن بیستم، آدام واتسون، در بازننگری ماهیت دیپلماسی و مذاکرات دیپلماتیک به طیف وسیعی از وزارتخانه‌هایی که در حال حاضر در اجرای دیپلماسی مشارکت دارند، و به همان نسبت، به کاهش نفوذ وزرای خارجه، افزایش مداخله مستقیم سران حکومت‌ها در جزئیات دستگاه دیپلماسی و افزایش اهمیت رسانه‌های خبری اشاره کرد. از نظر واتسون، گفت‌وگوها و تعاملات دیپلماتیک، عمومی‌تر شده و از جنبه ایدئولوژیک آن کاسته شده است و قدرت‌های بزرگ جز در زمینه‌های خاص اتمی، سلطه چندانی در سایر زمینه‌ها ندارند (Watson, 1984: 223).

دیپلماسی سنتی عمدتاً بر یک مبنای دوجانبه سازمان‌دهی می‌شد و معمولاً به صورت محرمانه و مخفی بود. وقتی دو دولت رابطه برقرار می‌کردند که به صورت مشترک برای هر دو طرف اهمیت داشت، مبادله سفرای دائم و انجام دیپلماسی از طریق این سفارتخانه‌ها به صورت

1. Practice of Persuasion
2. International Monetary Fund (IMF)

دولت به دولت امری عادی و طبیعی به شمار می‌رفت. دستور کار دیپلماسی را نه تنها وضعیت نسبتاً کامل نشده روابط دوجانبه تنظیم می‌کرد، بلکه مهم‌ترین دل‌مشغولی و تمرکز دیپلماسی منعکس‌کننده مشغله ذهنی رهبران سیاسی بود. گسترش سرزمین و قلمرو در کنار موضوعاتی دیگر همچون صلح و جنگ مهم‌ترین دستور کار دیپلماتیک را تشکیل می‌دادند. دیپلمات‌ها تحت فشار بودند تا به هر وسیله ممکن به نتیجه‌ای دست پیدا کنند و به همین جهت هنری وتون، دیپلمات و سیاست‌مدار انگلیسی، دیپلمات را به‌عنوان «مرد شریفی که برای دروغ گفتن از جانب کشور خود به خارج اعزام شده است»، تعریف می‌کند. دیپلماسی دوران عصر جنگ سرد نیز با تأسی از ایدئولوژی دو ابرقدرت شرق و غرب، حساسیت‌های متصلب خاص خود را داشت (Wotton, 1992: 24).

۲. فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات و اشکال جدید دیپلماسی

تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات و ارتباطات، صرفاً به تغییرات مفهومی و کارکردی آن محدود نمی‌شود، بلکه عصر جدید فضای بروز و ظهور اشکال نوینی از دیپلماسی را در عرصه روابط بین‌الملل و دستگاه سیاست خارجی کشورها فراهم آورده است. اشکال جدید دیپلماسی اعم از؛ دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی نوین، دیپلماسی مجازی و در سال‌های اخیر دیپلماسی علم و فناوری، وارد ادبیات روابط بین‌الملل شده است که به موازات ورود چنین مفاهیم جدیدی، دستور کار دیپلماسی نیز متحول شده است.

۲-۱. دیپلماسی رسانه‌ای؛ رسانه به‌عنوان کارگزار جدید دیپلماسی

تحولات به‌هم پیوسته در دنیای سیاست، روابط بین‌الملل و فناوری ارتباطات، نقش رسانه در دیپلماسی را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. مشارکت توده‌ای در فرایندهای سیاسی تحت تأثیر نقش بی‌بدیل رسانه در بسیج همگانی آنها، بسیاری از جوامع را از نظام سیاسی اقتدارگرایانه به نظام دموکراسی تغییر ماهیت داده است. انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، دسترسی به بخش برنامه‌های زنده، استفاده از اینترنت به‌عنوان یک سیستم اطلاع‌رسانی و بهره‌مندی از روزنامه‌های آنلاین، ماهیت و مفهوم دیپلماسی را به‌شدت مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار داده است. تغییرات انقلابی در معنا و مفهوم دیپلماسی باعث شده است که دولت‌ها از دیپلماسی نه صرفاً ابزاری برای تأمین منافع نظامی و اقتصادی بلکه شیوه‌ای برای کنترل جریان اطلاعات و

خبرگزاری‌های بین‌المللی استفاده کنند. نقش رسانه و خبرگزاری‌ها به قدری اهمیت یافته است که ماروین کالب، در اثر خود با عنوان *رسانه و سیاست خارجی*، به این نتیجه می‌رسد که رهبران سیاست خارجی و دیپلمات‌هایی که قدرت خبرهای زنده تلویزیونی را دست کم می‌گیرند، احمقی بیش نیستند (Kalb, 1991: xiv). سیاسیون و روزنامه‌نگاران نیز بر این باورند که همگرایی تغییرات انقلابی در سیاست و ارتباطات موجبات شکل‌گیری یک نظام نظارتی رسانه - محور^۱ را فراهم ساخته است. لوگار،^۲ چنین نظام نظارتی را «رسانه‌گرایی»^۳ می‌نامد و گرگین، در مقاله خود با عنوان «دیپلماسی در عصر تلویزیون»، این پدیده را نظامی با عنوان «تله دیپلماسی»^۴ در نظر می‌گیرد (Gergen, 2001: 47-63).

با پیشرفت‌های فناوری ارتباطات و با ورود رسانه‌های جمعی به عرصه روابط بین‌الملل، به‌ویژه پس از جنگ سرد، چهره دیپلماسی سنتی به کلی دگرگون شده، با پدیده‌ای به نام دیپلماسی رسانه‌ای مواجه می‌شویم که در نوع خود در تاریخ بی‌سابقه است؛ زیرا رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای تصویری، در عمل کارهایی را انجام می‌دهند که وزارت امور خارجه و هیئت‌های دیپلماتیک به طریق سنتی به انجام آنها مبادرت می‌کردند و حتی در اغلب موارد آنها به مراتب قوی‌تر، مؤثرتر و کارآمدتر از نهادهای مزبور عمل می‌کنند تا آنجا که امروزه بسیاری از سیاست‌مداران اعتقاد دارند یکی از عوامل شکست آمریکا در ویتنام، پوشش منفی تلویزیونی بود. زمانی راس پرو، کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۹۲ خاطرنشان کرد که اصولاً سفارتخانه‌ها یادگار ایام کشتی‌های بادبانی هستند که سفرها به نمایندگی از سوی دولت متبوع خویش سخن می‌گفتند، درحالی‌که با گسترش شگفت‌آور رسانه‌ها در اقصی نقاط جهان، در عمل سفیر در حد ایفای نقش اجتماعی تنزل کرده است (قوام، ۱۳۸۴: ۱۹-۷).

در شرایطی که زمانی سفارتخانه‌ها خود تأمین‌کننده اطلاعات برای دولت‌های متبوع خود بودند، امروزه خود رهبران در کشورهای گوناگون برای کسب خبر و اطلاعات درباره اوضاع بین‌المللی به مطبوعات برگزیده، اینترنت و تلویزیون مراجعه می‌کنند. سرعت خبررسانی در سایه انقلاب ارتباطات به‌اندازه‌ای زیاد شده است که سیاستگذاران خارجی نمی‌توانند منتظر

1. Media-oriented
2. Lugar
3. Medialisim
4. Telediplomacy

دریافت اطلاعات از سفارتخانه‌های خود باشند، در ضمن، همین عامل سرعت سبب شده تا نوعی عدم تعادل و توازن میان ظرفیت‌های محدود دیپلماتیک برای اتخاذ و اجرای تصمیمات و نیز حجم عظیم اطلاعات قابل دسترسی به وجود آید (همان: ۸). به این ترتیب، آهنگ سریع مبادلات دیپلماتیک از طریق تلویزیون، باعث تغییر و دگرگونی فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی به خصوص در شرایط بحرانی شده است. از این رو، تغییرات بنیادی در شیوه‌های نوین دیپلماسی، حالت‌های جدیدی از تعاملات بین رسانه و دیپلماسی به وجود آورده است که مفاهیمی چون دیپلماسی رسانه، تله دیپلماسی، فوتوپلماسی،^۱ دیپلماسی آنی^۲ و دیپلماسی زمان واقع،^۳ از مباحث نوین مطرح شده در این حوزه می‌باشند.

با تسلط رویکردهای جریان اصلی بر روابط بین‌الملل، تبیین تعاملات بین فناوری‌های نوین ارتباطات و به‌ویژه رسانه با دیپلماسی، به‌نوعی با فقدان نظری روبه‌رو شده است. اما مباحثی از راه‌های تأثیرگذاری فناوری ارتباطات بر کارکرد و مفهوم دیپلماسی مطرح شده است که به ارائه مختصر آن پرداخته می‌شود؛ در نظر نخست که عمدتاً به «نظریه تأثیرگذاری سی. ان. ان»^۴ معروف است این فرضیه مطرح می‌شود که اخبار می‌توانند بر شکل‌گیری سیاست‌گذاری‌ها بسیار مؤثر باشند یا حداقل می‌توانند شکل‌دهنده محیط مربوط به تصمیم‌گیری سیاسی باشند (McNulty, 1993: 80). نفوذ و تأثیرگذاری عمده این گونه فناوری‌ها به‌ویژه کانال‌های تلویزیونی به سبب ویژگی‌های خاصی است که از آن برخوردارند: آنها می‌توانند در خلال شبانه روز به‌طور مرتب برنامه‌های هدفمندانه برای مخاطبین خود پخش کنند در عین حال که مرزها را نمی‌شناسند و به‌عبارت دیگر می‌توانند از هر کجا به اقصی نقاط دنیا منتقل شده و بر مخاطبان خود تأثیر گذارند. جمله معروف پطروس غالی، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد که گفته بود «سی. ان. ان»، عضو شانزدهم شورای امنیت است» یا حتی گفته جرج بوش پدر در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ در خلال بحران خلیج فارس، «من به مراتب مسائل بیشتری از سی. ان. ان. یاد

1. Photoplomacy

با توجه به اهمیت روزافزون پیام‌های تصویری در شبکه‌های مجازی و ارتباطی، یکی از جلوه‌های جدید عرصه دیپلماسی، بهره‌گیری از پیام‌های تصویری در انتقال پیام‌ها یا درخواست‌های رسمی و غیررسمی است. مخاطب اصلی فوتوپلماسی بیشتر عموم و آحاد جامعه داخلی و خارجی است که دولت‌ها اغلب برای آماده‌سازی افکار عمومی به‌منظور اعمال یک سیاست خاص و تأثیرگذاری بر اذهان مخاطبان عام خود از دیپلماسی تصویری بهره‌گیری می‌کنند.

2. Instant Diplomacy

3. Real-time Diplomacy

4. CNN Effect Thesis

می‌گیرم تا از سیا» (Minear, Scott and Weiss, 1996: 6-9)، نشان‌دهنده تأثیر و سرعت بالای انتقال این فناوری‌های نوین است که در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای عمل می‌کنند و می‌توانند به‌طور گسترده‌ای بر طیف بسیار عمده‌ای از افکار عمومی تأثیرگذار باشند.

در نظریه دیگری که تحت عنوان «رضایت سازنده»^۱ مطرح می‌شود بر این موضوع تأکید شده است که رسانه‌ها، سیاستگذار نیستند بلکه رسانه‌های خبری، بسیج شده و حتی مدیریت می‌شوند تا از سیاست‌های دولت، حمایت کنند. این اندیشه درباره رسانه و تبلیغات توسط نوام چامسکی مطرح شد. چامسکی استدلال می‌کند که رسانه‌ها از قدرت مستقر حمایت می‌کنند و به این ترتیب آنها صرفاً نسبت به نیازهای دولت و گروه‌های عمده قدرت پاسخ‌گو هستند (Herman and Chomsky, 1988). در این راستا گفته می‌شود که رسانه‌های عمومی و به‌ویژه سرویس‌های خبری، ضمیمه تلویحی مباحث و نظرات رسمی دولتی هستند. در چنین تصویری از تعامل رسانه و دیپلماسی، مکرر نشان داده می‌شود که دولت‌ها و سایر حمایت‌کنندگان، نفوذ مستقیمی بر کانال‌های تلویزیونی بین‌المللی اعمال می‌کنند و به این ترتیب رسانه‌ها و سایت‌های خبری را در تبلیغ آنچه دنبال می‌کنند ترغیب می‌نمایند.

به‌رغم سلطه بلافصل رسانه‌های خبری آمریکایی و به‌طور کلی رسانه‌های غربی در تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جهانی، تأثیر کانال‌ها تلویزیونی بر سیاست بین‌الملل صرفاً یک موضوع و پدیده انحصاری غربی محسوب نمی‌شود. در خلال سال‌های گذشته تکثیر اطلاعات در نقاط مختلف دنیا و از سوی شبکه‌های دیگر رخ داده است و بنابراین کانال‌های غربی انحصار خود را در زمینه پوشش اطلاعاتی و خبری بین‌المللی از دست داده‌اند. امروزه شبکه‌هایی مانند شبکه الجزیره رقیب جدی سی.ان.ان. و بی.بی.سی. محسوب می‌شوند. بنابراین انحصار غربی در این زمینه شکسته شده است و این نکته‌ای است که سیاست‌مداران غربی و به‌ویژه آمریکایی‌ها به‌طور جدی متوجه آن شده‌اند. آنها به‌خوبی می‌دانند اطلاع‌رسانی این‌گونه کانال‌های خبری و اطلاعاتی می‌تواند روحیه ضدآمریکایی را در سطح بین‌المللی تشدید کند (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۶۱-۴۳).

در خلال بحران‌های بین‌المللی، رسانه تنها منبع مورد اعتمادی است که کانال‌های ارتباطات و مذاکرات بین بازیگران متخاصم و درگیر را در بحران فراهم می‌سازد. در طول اختلاف

فی مابین ایران و آمریکا در خصوص کارکنان دیپلماتیک و کنسولی در سال ۱۹۸۱-۱۹۷۹، آمریکایی‌ها برای ایجاد ارتباط با مقامات رسمی ایران به منظور حل بحران گروگان‌گیری از رسانه و مطبوعات به عنوان ابزار اصلی دیپلماسی بهره بردند (Larson, 1988: 56). مقامات رسمی و دیپلمات‌ها همچنین از شبکه‌های تلویزیونی و خبری جهانی به جای کانال‌های دیپلماتیک سنتی برای ارسال پیام‌های رسمی خود استفاده می‌کنند. در خلال جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱-۱۹۹۰، جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا، آخرین اتمام حجت خود را از طریق شبکه سی.ان.ان. به صدام حسین اعلام کرد و در موردی مشابه، در ژانویه سال ۱۹۹۸، سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران، برای ارسال پیام صلح آمیز و آشتی‌جویانه ایران به ملت و دولت ایالات متحده آمریکا، شبکه سی.ان.ان. را انتخاب کرد. دستگاه دیپلماسی کشورها، همچنین از رسانه و روزنامه‌نگاران طرف مقابل برای ارسال مقاصد صلح آمیز خود به عنوان ابزاری دیپلماتیک بهره می‌گیرند که نظیر آن را در جریان صلح‌سازی روابط بین اعراب و رژیم اشغالگر قدس مشاهده کردیم. چنین تصویری از دیپلماسی رسانه‌ای باعث شکل‌گیری مفهوم و شیوه‌ای جدید در دیپلماسی رسانه‌ای با عنوان «دیپلماسی رسانه - کارگزار»^۱ شده است.

در دیپلماسی رسانه - کارگزار، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به عنوان طرف ثالث با میانجیگری بین طرفین متخاصم و درگیر در بحران، وظایف دیپلماسی را برعهده می‌گیرند. قبل از شروع مذاکرات و حل و فصل مناقشات، یک مرحله پیش از مذاکره‌ای^۲ وجود دارد که در آن نقش طرف ثالث به عنوان میانجیگر برجسته می‌شود (McDonald and Bendejme, 1987: 214-225). در مرحله پیش از مذاکره، طرفین مزیت‌ها و میانبرهای فرایند مذاکره موردنظر را مشخص کرده و براساس اطلاعات به دست آمده از طرف مقابل و شرایط داخلی کشور خود دست به تصمیم‌گیری می‌زنند و در نهایت وارد مرحله مذاکره اصلی می‌شوند. نقش روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به عنوان طرف ثالث در مرحله پیش از مذاکره بسیار تعیین‌کننده است چون آنها با توجه به رویه بی‌طرفانه و صلح‌طلبانه‌ای که دارند، طرفین متخاصم را از برنامه‌های یکدیگر مطلع ساخته و زمینه‌های مشترک مذاکره و همکاری بین طرفین درگیر را در بحران فراهم می‌سازند.

دیپلماسی رسانه‌ای در اغلب موارد به اشتباه با دیپلماسی عمومی یکسان انگاشته می‌شود.

1. Media-broker Diplomacy
2. Pre Negotiation Stage

براساس دیدگاه وان دین،^۱ مشخصه اصلی دیپلماسی عمومی که آن را از دیپلماسی رسانه‌ای متمایز می‌کند، عنصر تبلیغات است که در این صورت می‌تواند به‌عنوان مترادفی برای دیپلماسی تلویزیون در نظر گرفته شود (Van Dinh, 1987: 2-51). دیپلماسی رسانه‌ای شامل همه جنبه‌ها و عناصر دیپلماسی عمومی می‌شود که رسانه با تأمین اطلاعات برای دولت‌ها زمینه‌های اعمال دیپلماسی عمومی را فراهم می‌سازد. از دیدگاه راونزلی (Rawensley, 1996: 1-18)، در دیپلماسی عمومی سیاست‌مداران از رسانه‌ها جهت مخاطب قرار دادن مردم خارجی و دولت‌ها به‌صورت غیرمستقیم جهت اهداف بلندمدت استفاده می‌کنند، اما در رسانه مخاطب بیشتر مقامات دولتی و اهداف کوتاه‌مدت است. ای‌تان گیل‌بوا^۲ نیز در اثر خود با عنوان «در جست‌وجوی نظریه دیپلماسی عمومی»^۳ بر این باور است که در دیپلماسی عمومی، از کانال‌های متعدد ارتباطی، اما در دیپلماسی رسانه‌ای، از کانال‌های رسانه‌ای برای موفقیت یک فرایند خاص دیپلماتیک استفاده می‌شود (Gilboa, 2008: 55-77). در قسمت بعدی به تفصیل در مورد دیپلماسی عمومی به‌عنوان یکی از مفاهیم و شیوه‌های نوین دیپلماسی که تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات مطرح شده است، بحث می‌شود.

۲-۲. دیپلماسی عمومی نوین؛ ورود حوزه عمومی به فرایند دیپلماسی

شکل دیگر از دیپلماسی که تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در دنیای امروز مورد توجه است، دیپلماسی عمومی است. عبارت دیپلماسی عمومی^۴ در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ عمده‌تاً برای توصیف جنبه‌های جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد. اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ در آمریکا توسط آلموند گولین،^۵ رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر در دانشگاه تافتز^۶ به کار گرفته شد و عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی. با این تعریف، مسائلی از قبیل اعزام دانشجو به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرایند ارتباط میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری،

1. Van Dinh

2. Eytan Gilboa

3. "Searching for a Theory of Public Diplomacy"

4. Public Diplomacy

5. Admond Gulion

6. Tufts University

همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث است (Wolf and Rosen, 2004). دیپلماسی عمومی یک زمینه جدید در حوزه عمل و نظر است که توجه‌ها را در قرن پیش، زمانی که دیپلماسی تحت سلطه رسانه و افکار عمومی قرار گرفت به خود جلب کرد. این وضعیت در طول دوره جنگ سرد مستحکم‌تر شد، و این به دلیل تبلیغات شدید برای به دست آوردن حمایت در جهت توازن شکننده تسلیحات هسته‌ای و درگیری ایدئولوژیک برای قلب‌ها و ذهن‌های مردم جهان بود. دیپلماسی عمومی در دوران جنگ سرد اشاعه‌دهنده مطالعات کثیری برای ابزارهایی بود که ابرقدرت‌ها و دولت‌های دیگر برای رسیدن به اهدافشان از آنها استفاده می‌کردند (Gilboa, 2008: 68-74). مرحله جدید در توسعه دیپلماسی عمومی بعد از یازده سپتامبر و حمله تروریستی به واشنگتن توسط القاعده آغاز شد. مهم‌ترین ویژگی این مرحله، ورود فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات از جمله شبکه‌های سراسری اینترنت بود که ساختار دیپلماسی عمومی را به لحاظ مفهومی و کارکردی متحول ساخت و در نهایت، ضرورت بازتعریف دیپلماسی عمومی موجب شد تا اصطلاح و مفهوم جدید دیپلماسی عمومی نوین شکل گیرد.

دیپلماسی عمومی نوین محصول ترکیبی از عوامل و متغیرها در دو حوزه قلمرو عمومی از یک سو و دیپلماسی ازسوی دیگر است. دیپلماسی عمومی نوین عبارت از روشی نو برای تأثیرگذاری بر هویت، گفتمان‌ها و کنش‌های بازیگران قلمرو عمومی جهانی و شکل‌دهی محیط مناسب برای موفقیت دستگاه دیپلماتیک یک کشور با کمک شبکه‌ها و رسانه‌های جدید جهانی است (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۹۰-۷۷). با توجه به تعریفی که از دیپلماسی عمومی نوین ارائه شد، آن را از دیپلماسی عمومی سنتی متمایز می‌کند؛ دیپلماسی عمومی سنتی نقش ابزاری در سیاست خارجی داشت و دولت‌ها به‌عنوان تنها بازیگر اصلی، نقش مسلط و محوری در فرایند این دیپلماسی دارند، درحالی‌که دیپلماسی عمومی نوین به عنصری اساسی در محیط جدید جهانی و دیپلماسی تبدیل‌شده و با ورود بازیگران غیردولتی مانند مراکز دانشگاهی، خبرنگاران، هنرمندان و غیره نقش مهمی در توسعه گفت‌وگو و همکاری و در نهایت دستیابی به صلح جهانی دارد. این دیپلماسی ترکیبی از تحولات فناوری، ایده‌های جدید، توانایی‌های شبکه‌ای، بازیگران غیردولتی و روابط پویا با جامعه مدنی جهانی بوده و

مخاطب آن علاوه بر دولت‌ها، بازیگران قلمرو عمومی داخلی و جهانی هستند. به نظر دکتر سجادپور، در دیپلماسی عمومی نوین با اینکه دولت‌ها نقش هدایت و نظارت‌کننده اصلی دارند، اما از ظرفیت و همکاری بازیگران غیردولتی نیز استفاده می‌کنند.

با پیشرفت فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و به موازات آن ظهور قلمرو عمومی جهانی در قالب یک جامعه شبکه‌ای، زمینه شکل‌گیری شهروندان و افکار عمومی آگاه به وجود آمده که توجه، کنترل و اقتناع آنها نسبت به گذشته سخت‌تر است. لذا تنها توجه به افکار عمومی مهم نیست، بلکه مهم‌تر از آن مشورت و دخالت دادن عموم در سیاست‌گذاری‌ها و اجرای سیاست‌هاست. تحقیقات جیمز روزنا^۱ و میکائیل فاگن^۲ نشان‌دهنده توجه افکار عمومی و افراد به مسائل جهانی است و افکار عمومی انتظار دارد که دستگاه دیپلماسی بیشتر به نگرانی‌ها و منافع آنان توجه کند (همان: ۸۶). در چنین شرایطی، قلمرو عمومی جدید که با پدیده فراوانی اطلاعات روبه‌رو هستیم، سانسور معنی ندارد و توانایی توجیه و تفسیر سیاست‌ها و قدرت جذب و اقتناع افکار عمومی از اهمیتی بالاتر برخوردار است (Nye and Joseph, 2008: 94-109).

تغییرات جهانی و ورود به جهان اطلاعات و ارتباطات باعث شده تحولات مفهومی و کارکردی دیپلماسی عمومی را اجتماعی و خصوصی شدن دیپلماسی قلمداد کنند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۸۴). دیپلمات‌های جهان امروز باید قادر به تعامل شفاف و برقراری ارتباط با عامه مردم باشد، درحالی‌که در گذشته از این کار منع می‌شد. در حال حاضر نیز در برخی از کشورها در اجرای دیپلماسی عمومی به لحاظ ساختاری مشکلاتی وجود دارد. تاکنون ماهیت بسیاری از فعالیت‌های دولتی پنهانی بودن آن بوده، اما امروزه در برخورد با افکار عمومی لزوم ارائه اطلاعات و شفافیت ضروری است. البته باید توجه کرد جهانی‌شدن از ویژگی‌های مهم جهان امروز است که شامل دسترسی آزادانه به اطلاعات می‌شود. با این اوصاف، به نظر هنریکسون، شرایط جدید جهانی سه فرض اصلی را در اهمیت کاربرد دیپلماسی عمومی برای دولت‌ها مطرح می‌کند: دولت‌ها در قرن بیست و یکم دیگر نمی‌توانند مشکلات سیاست خارجی خود را به تنهایی حل کنند، بلکه نیازمند عملکرد بخش خصوصی خود نیز هستند. دوم، شهروندان امروز خواهان مسئولیت‌پذیری و شفافیت بیشتر دولت‌ها هستند. سوم، سیاست

1. James Rosenau

2. Michael Fagen

خارجی و سیاست داخلی به شدت درهم تنیده شده‌اند و دیگر نمی‌توان هر یک را جداگانه تعریف کرد (Henrikson, 2006: 312).

کارکرد اصلی دیپلماسی عمومی نوین، ارائه یک تصویر مثبت از کشور در نزد افکار عمومی جهانی است. باید دانست که دیپلماسی عمومی نیز در خدمت منافع ملی یک کشور است و عمدتاً در تلاش است تا فهم از کشور را افزایش دهد و حامیان بیشتری را برای دیدگاه‌های این کشور فراهم آورد. دیپلماسی عمومی صرفاً یک شیوه تبلیغاتی، نوعی روابط عمومی، روش ارتباطی یا بازاریابی نیست، بلکه شاید بتوان دیپلماسی عمومی را مجموعه استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدید دیپلماتیک دانست که در خدمت دستگاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد و مسئله اصلی این است که از چه طریقی می‌توان وجهه و تصویر یک کشور را در جهان بهبود بخشید. البته باید توجه داشت که دیپلماسی عمومی نمی‌تواند در خدمت اهداف کوتاه‌مدت دستگاه سیاست خارجی یک کشور باشد، بلکه در میان‌مدت یا بلندمدت می‌تواند به تأثیرگذاری بر محیط بین‌المللی پردازد و نگرش‌ها و افکار عمومی خارجی را در مورد کشور خود شکل دهد (Melissen, 2005: 154-156).

۳-۲. دیپلماسی مجازی؛ دیپلماسی دات کام

مهم‌ترین ویژگی عصر اطلاعات، رشد فناوری‌ها و به‌ویژه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و فراگیر شدن آن در سطح جهان است که اصلی‌ترین محرک پویا در عصر حاضر است. نماد بارز عصر اطلاعات، شبکه متشکل از رایانه‌های به هم پیوسته در سراسر جهان، یعنی اینترنت^۱ است که پررشدترین ابزار ارتباطی جهان بوده که به صورت شگفت‌آوری به همه زوایای زندگی انسان امروز نفوذ کرده است. دیپلماسی نیز تحت تأثیر چنین فناوری‌های نوینی همچون اینترنت، مفاهیم و تعاریف جدیدی را وارد ادبیات شکلی و محتوایی خود کرده است. دیپلماسی مجازی^۲، دیپلماسی سایبری^۳ و دیپلماسی دیجیتال^۴ مفاهیم نوینی هستند که تحت تأثیر عصر اطلاعات مجال بروز و ظهور پیدا کرده‌اند، این مفاهیم با وجود تفاوت‌هایی که در به‌کارگیری آنها وجود دارد، اما به لحاظ معنایی و کاربردی به تعاریف مشابهی منجر می‌شوند

1. Internet
2. Virtual Diplomacy
3. Cyber Diplomacy
4. Digital Diplomacy

و بسیاری از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل و مقامات سیاسی این اصطلاحات را به جای یکدیگر و گاهاً مترادف به کار می‌برند. دیپلماسی مجازی، با توجه به اینکه بارزترین مشخصه عصر اطلاعات، یعنی مجازی بودن آن را مدنظر دارد، نسبت به مفاهیم مشابه دیگر کلیت دارد و کاربست‌های دیپلماسی سایبری و دیجیتالی را پوشش می‌دهد. به همین دلیل در این بخش از دیپلماسی مجازی به عنوان جدیدترین شکل و مفهوم دیپلماسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات بحث خواهیم کرد.

در سال‌های پایانی قرن اخیر، با توسعه شبکه‌ها و فناوری‌های اینترنت محور و ظهور جامعه مدنی جهانی، قلمرویی جدید در برابر دیپلماسی ایجاد گشت که به دلیل سیالیت، بازبودگی و ماهیت غیرقابل کنترل آن، به خوبی می‌توان از آن به عنوان عنصری حیاتی و تعیین کننده در فرایند روابط دیپلماتیک استفاده کرد. استفاده از این فضای نو، با زاده شدن مفهوم و کارکرد دیپلماسی مجازی همراه گشت. تعریف جامع و استاندارد از این واژه وجود ندارد و در مطالعات دانشگاهی نیز به این بحث به صورت جدی پرداخته نشده است، اما شاید سادگی معتقد است؛ به طور کلی باید بین تعریف حداقلی و حداکثری دیپلماسی مجازی تمایز قائل شویم (Saddiki, 2006: 93-94). در تعریف موسع و گسترده، بر تعامل و یکپارچگی فناوری جدید اطلاعاتی، به ویژه اینترنت که در آن دیپلماسی در همه سطوح برآورنده اهداف دیپلماتیک است، تأکید می‌شود. در حالی که در تعریف حداقلی، دیپلماسی مجازی به معنای استفاده از فناوری نوین به ویژه اینترنت است که در آن مطالب به صورت مجازی ارائه و مبادله می‌شود، و مذاکره و ارتباطات انجام می‌گیرد (Ibid.). اما در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت دیپلماسی مجازی (سایبر دیپلماسی)، عبارت است از استفاده ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات روزآمد جهت تبیین، گسترش و ارتقای اثربخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی. در دیپلماسی مجازی، مخاطبان از اعضای جامعه اطلاعاتی هزاره سوم هستند (سجادپور و مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۷-۳۵).

در یک تعریف عملیاتی و اجرایی، سایبر دیپلماسی بخشی از فرایند تحقق دولت الکترونیک است که در آن با تمرکز بر فضای مجازی و با استفاده از دستاوردهای فناوری اطلاعات تلاش می‌شود تا مدیریت ارتباطات و اطلاع‌رسانی چه درون ساختارهای حاکمیتی و چه در ارتباط با سایر بخش‌های جامعه، از طریق شبکه‌های ارتباطی انجام پذیرد (خرازی آذر، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۳). به این

صورت بخشی از دیپلماسی مجازی، تلاشی است برای افزایش توان و کارایی شبکه‌های ارتباطی میان هیئت‌های دیپلماتیک و دستگاه‌های دیپلماسی که به افزایش سرعت انتقال داده‌ها و اطلاعات و افزایش امنیت اطلاعاتی منتج می‌شود و از سوی دیگر بخشی از آن، فعالیتی رسانه‌ای و شبکه‌ای برای ارتباط با مخاطبان در فضای مجازی است.

مخاطبان اصلی دیپلماسی مجازی دیگر به مانند دیپلماسی سنتی، تنها دولت‌ها و نمایندگان رسمی کشورها نیستند، بلکه بازیگران غیردولتی، انجمن‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم‌نهاد و به‌طور کلی تمامی افرادی را که تحت تأثیر فضای مجازی هستند، در برمی‌گیرد که این تحول نیازمند بررسی و نظارت عمومی بیشتر بر دیپلماسی بوده و اصطلاح پنهان‌کاری^۱ جای خود را به شفافیت^۲ در دیپلماسی عصر فضای مجازی داده است. شفافیت اطلاعات و ارتباطات دیپلماتیک در فضای سایبر دیپلماسی، موجبات تبدیل Intelligence به Information را در دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی فراهم آورده است. در عصر پساوستفالی؛ رشد سریع و بی‌وقفه فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و نفوذ بیش‌ازپیش آن در حیطه‌های انسانی، موجبات تبدیل اطلاعات پنهان دیپلماتیک به اطلاعات آشکار و قابل دسترس برای رسانه‌ها و به تبع آن مخاطبان عمومی سراسر جهان را فراهم آورده است. به بیان دیگر بسیاری از اطلاعات دیپلماتیک، از Intelligence (اطلاعات سری) به Information (اطلاعات آشکار) تبدیل شده‌اند (همان: ۱۵).

کم‌رنگ شدن اعتبار مکان، و فاصله جغرافیایی در ایجاد روابط دیپلماتیک، مدیران سیاست خارجی و دیپلمات‌ها را قادر ساخته تا به رایزنی منظم‌تر با دیپلمات‌های خود در سایر کشورها پرداخته و مجموعه سیاستگذاران و مجریان قادر خواهند بود تا در زمان واقعی در رابطه با آخرین تحولات مسائل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر مذاکره و تبادل نظر نمایند و از این راه یکدیگر را از نیازها، فرصت‌ها و تهدیدهای جدید آگاه سازند. چنین امکانی سبب خواهد شد از طرفی تصمیم‌گیری و اجرای دیپلماسی در شرایطی نزدیک به واقعیت انجام پذیرفته، که این امر به افزایش بهره‌وری و تأثیر آنها خواهد انجامید (Potter, 2002: 421-445) و از طرف دیگر، برقراری و تأسیس نمایندگی‌ها و مأموریت‌های دیپلماتیک مجازی باشد. استقرار نمایندگی به شیوه سنتی و اعزام هیئت‌های دیپلماتیک، موضوعی پیچیده و گاه زمان‌بر است که ضرورت توافقی‌های دو یا چندجانبه را نیز می‌طلبد. اما در چنین عصری با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین

ارتباطاتی، ایجاد و تأسیس سفارتخانه‌های مجازی را ممکن ساخته است، نمایندگی‌هایی که تشکیلات آن مبتنی بر ساختارهایی است که در چارچوب صفحات وب طراحی شده است (سجادپور و مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۳). چنین نمایندگی‌هایی نه تنها می‌توانند بخش بسیاری از هزینه‌های مأموریت‌های دیپلماتیک را کاهش دهند، بلکه سرعت عمل دستگاه دیپلماسی را افزوده و امکان ایجاد ارتباط مستقیم میان دستگاه دیپلماسی یک کشور و شهروندان کشور مورد نظر را نیز فراهم می‌آورند.

با تسریع روندهای دیپلماتیک، کم‌رنگ شدن دیپلماسی رسمی و ظهور اینترنت و شبکه‌های دیجیتالی به عنوان عناصر بنیادین دیپلماسی مجازی، مباحث جدیدی از جمله: جمع‌آوری اطلاعات از طریق اینترنت، ارتباطات و مذاکرات شبکه‌ای، سفارتخانه‌های مجازی، کنفرانس‌های مجازی و بازیگران جدید دیپلماتیک در عرصه دیپلماسی مطرح شده‌اند. در مورد جمع‌آوری اطلاعات،^۱ می‌توان گفت دستیابی به اطلاعات همواره چالش اصلی دیپلمات‌ها بوده است، دیپلمات‌ها که مدت‌ها انحصار دسترسی با اطلاعات را در اختیار داشتند، از همان ابتدای نسل اول فناوری‌های اطلاعاتی دیپلمات‌های خارج از کشور انحصار خود را بر اطلاعات خارجی از دست دادند. برای مثال؛ اگر دستگاه سیاست خارجی هر کشور بخواهد از قطعنامه‌های سازمان ملل یا اسناد سایر سازمان‌ها مطلع شود، نیازی به اعزام یا فرستادگان دیپلماتیک نیست، چون اسناد مزبور به راحتی در وبسایت‌های سازمان‌های مورد نظر برای همگان در دسترس است. به همین دلیل دیپلمات‌ها خود را درگیر مسائل دیپلماتیک سطوح بالاتری می‌کنند. از سویی، برقراری روابط دیپلماتیک از طریق فضای مجازی و اینترنت، تحولی در مذاکرات و ارتباطات بین نمایندگان رسمی کشورها به وجود آورده است که آداب و اصول تشریفات و هزینه‌های حاصل از آن را کاهش داده است. در این نوع از گفت‌وگو و مذاکرات، نمایندگان بیشتر بر محتوا و مطالب تمرکز دارند و هیجانات احساسی قابل طرح در مذاکرات چهره به چهره^۲ در آن نقشی ندارند (Saddiki, 2006: 99).

سفارتخانه‌های مجازی^۳ اصطلاح دیگری است که تحت تأثیر فضای اینترنتی وارد واژگان دیپلماسی شده است. اما طرح استفاده از تسهیلات سفارت مجازی در بین دستگاه‌های

1. Data Gathering
2. Face to Face
3. Cyber Embassy

دیپلماسی کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، امری گیج کننده و بحث برانگیز بوده و این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا سفارتخانه‌های مجازی می‌توانند جانشین سفارتخانه‌های کلاسیک به همراه سفرای ساکن و مقیم آنها شوند؟ بدون تردید پاسخ قاطعانه به این پرسش بسیار مشکل است، چراکه به نظر می‌رسد فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی نه ابزار جانشین بلکه مکمل ابزارهای کلاسیک دیپلماسی است. یکی از انگیزه‌های مهم در تأسیس سفارت‌های مجازی، هزینه پایین آن در مقایسه با سفارت‌های کلاسیک است و درعین حال سفارت مجازی هزینه انسانی را در سطح پایینی نگه می‌دارد (Sucharipa, 2003: 54-56). با وجود این، در برخی سفارتخانه‌ها، تقاضای ویزا از طریق مجازی و پرداخت‌ها نیز از طریق اینترنتی انجام می‌شود (Smith, 2000: 114).

ورود بازیگران جدید به عرصه روابط بین‌الملل و نقش آفرینی آنها به‌عنوان کارگزاران دیپلماتیک نوین در دیپلماسی عصر مجازی، موضوع دیگری است که تغییر ماهیت و شکل مفهوم دیپلماسی را نشان می‌دهد. با کاهش قابل ملاحظه هزینه ارتباطات و تسهیل انتقال اطلاعات به‌واسطه رایانه‌های متصل به شبکه، دسترسی وسیع اقشار گوناگون مردمی به انواع اطلاعات ممکن گشته و هم‌زمان از اهمیت اطلاعات محرمانه نزد دیپلمات‌ها کاسته و نقش ابزاری آن، به‌ویژه در راستای فریب افکار عمومی را ناکارآمد ساخته است. طیف وسیعی از انواع بازیگران مستعد و نوظهور با برخورداری از منابع اطلاعات دقیق، هم‌اکنون با ایفای نقش‌هایی پرجاذبه به مشارکت در دیپلماسی در عرصه روابط بین‌الملل می‌پردازند. چارلز فایرستون^۱ نیز چنین تعبیر می‌کند: شاهد دیپلماسی نوینی هستیم که ملت‌های بیشتر و بازیگران بیشتری (اعم از سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها، شبکه‌های مردم‌نهاد و نیز نهادهای رسمی دولتی) را همراه با ابزارهای نوین فرامی‌گیرد. فناوری‌های نوین در دیپلماسی مجازی این امکان را فراهم می‌سازد که بازیگران جدید با دسترسی به اینترنت به جای اینکه صرفاً گیرنده پیام باشند، به تهیه و انتقال پیام و سیاست‌ها پردازند. برای نمونه: سال ۲۰۱۲، وقتی کمپانی گوگل در تصاویر ماهواره‌ای Google Earth عبارت The Gulf را به‌جای Persian Gulf گنجانید، با اعتراض شهروندان و انجمن‌های غیردولتی ایرانی از طریق اینترنت، مسئولان گوگل آن را اصلاح کردند (گنجی‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۰۵). چنین روندی نشان‌دهنده نقش آفرینی

بازیگران جدید غیردولتی و عدم انحصار دیپلماسی رسمی در عرصه دیپلماسی مجازی است.

۴-۲. دیپلماسی علم و فناوری؛ تحول در دستور کار دیپلماسی

به موازات ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات که علم و فناوری شکل دهنده هسته اصلی آن است، مفهوم دیپلماسی علم و فناوری نیز وارد ادبیات سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی کشورها شده است. در خصوص تعریف مفهوم «دیپلماسی علم و فناوری»^۱ باید گفت که اصطلاح دیپلماسی علم و فناوری واژه جدیدی نیست اما نسبت به گذشته اصطلاحی وسیع تر، عمیق تر و نمایان تر بوده که بر نقش و اهمیت آن بیش از پیش افزوده شده است. دیپلماسی علم و فناوری عبارت است از استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت و ملیت‌ها برای رفع مشکلات مشترک و ایجاد مراودات بین‌المللی سهل و حساب شده (موسوی موحد و یکانی بختیاری، ۱۳۹۱: ۷۲). در یک تعریف مبسوط از این مفهوم می‌توان گفت توانمندی‌های علمی و فناوری یک کشور و تعاملات آن با دیگر بازیگران بین‌المللی در این حوزه که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد یا روابط سیاسی میان کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز توسعه و تعاملات فناوری گردد، دیپلماسی علم و فناوری نامیده می‌شود. اما به‌طور کلی، این نوع دیپلماسی به دلیل حاکمیت دستور کار سنتی دیپلماسی، به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، مورد غفلت دستگاه سیاست خارجی کشورها قرار گرفته است، در گزارشی که مؤسسه رویال سوسایتی منتشر نموده به این مسئله این‌گونه اشاره شده است: دیپلماسی علم و فناوری پدیده‌ای جدید نیست اما هیچ‌گاه مهم نبوده است. در حالی که تمام مشکلات قرن بیست و یکم (تغییرات آب و هوا، امنیت غذا، کاهش فقر و گسترش سلاح‌های هسته‌ای) یک لبه علمی دارند هیچ کشوری قادر به حل مشکلات نیست. ابزارها و تاکتیک‌های سیاست خارجی باید پیچیدگی دنیای علم را بپذیرد (The Royal Society, 2010: 5-11).

عصر جدید، عصر متأثر از علم و فناوری است. در چنین عصری مبانی و اصولی که تبیین‌کننده توان و قدرت بازیگران در عرصه بین‌الملل بوده، تغییر کرده و شرایطی نوین را پدید آورده است. در وضعیت کنونی و هم‌زمان با توسعه، فروپاشی، پیشرفت و تغییر شکل

مسائل ملی و بین‌المللی، مدیریت و کنترل آنها نیز به ابزارها و راهبردهای نوینی نیاز پیدا کرده است. از سوی دیگر پیشرفت و رشد سریع فناوری نیز زمینه‌های ابزارهای جدیدی که برآمده از علم و دانش هستند، را فراهم آورده است. فناوری‌های نوین با پدید آوردن خواسته‌ها و امکانات نوین سبب می‌شود تا با هر تحول فناورانه نه تنها عوامل مادی، بلکه ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی هم‌پیوند با آن نیز به تدریج و ملازم به آن برای تطابق با جهان نوین، تغییر یابند. در این میان موضوعاتی چون قدرت، امنیت و دیپلماسی نیز از این تحولات برکنار نبوده و هریک بنا به شرایط، خود را با عصر جدید علمی و فنی سازگار کرده‌اند که این امر یک چهره غیرایدئولوژیک و انسان‌دوستانه در روابط دیپلماتیک بین کشورها ایجاد کرده است (سجادپور و مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۶).

کارگزاران دیپلماسی و کارشناسانی که درباره دیپلماسی علم و فناوری سخن گفته‌اند، تأکید داشته‌اند که علم و فناوری یک محیط غیرایدئولوژیک برای مشارکت و تبادل آزاد ایده‌هاست (Ibid.: iv). این عبارت به این معناست که شکل‌گیری روابط و تعاملات در یک بستر علمی بسیار آسان‌تر از سایر زمینه‌هاست. چراکه تعصب‌ها و گرایش‌های سیاسی در این حوزه دیده نمی‌شوند. برای همین است که دانشمندان می‌توانند با یکدیگر به راحتی تعامل کنند. بسیاری از دانشمندان رسالت علمی خود را منفک از رسالت سیاسی دولت‌مردان می‌دانند و از این رو برخی ملاحظات مهم دولت‌مردان را ندارند. برای مثال در اوج جنگ سرد میان دو قطب حاکم در روابط بین‌الملل، دانشمندان هسته‌ای دو کشور برای تدوین مقررات مربوط به کنترل تسلیحات هسته‌ای با یکدیگر همکاری کردند. این مطلب حاکی از متفاوت بودن مناسبات سیاسی با مناسبات علمی و فناوری است. به نوعی می‌توان به تعاملات علمی میان دانشمندان کشورهای مختلف، به چشم نجات‌دهنده نهایی نیز نگریست. به این معنا که در زمانی که روابط سیاسی از میان رفته و روح جنگ حاکم شده باشد، این تعاملات می‌تواند به کمک آید و زمینه‌ساز بهبود روابط شود.

خدمات انسان‌دوستانه فناورانه از وجوه دیگر کارکرد دیپلماسی علم و فناوری است. در دهه ۹۰ پس از جنگ کوزوو، آمریکا امکان ارتباطات اینترنتی را در مرکز آوارگان کوزوویی قرار داد تا خانواده‌هایی که از یکدیگر دور افتاده بودند، باهم تماس بگیرند (Fulton, 2002: 19). مورد دیگر که مناسب است به آن اشاره شود رویکرد اوباما در بهبود روابط با دنیای اسلام

است. او باما در ابتدای دوره ریاست جمهوری، در دانشگاه قاهره سخنرانی کرد که آن سخنرانی به نماد تغییر رفتار آمریکا در تعامل با جهان اسلام تبدیل شد که یک محور مهم در آن سخنرانی بسط تعاملات علمی و فناوری با جهان اسلام بود. در نتیجه حوزه علم و فناوری به دلیل ظاهر بشردوستانه و مزیت‌های فراوانی که درون خود دارد، ظرفیت بالایی در اقصای طرف مقابل دارد.

علم و فناوری به اندازه‌ای در سیاست خارجی و قدرت ملی اهمیت پیدا کرده است که جوزف نای^۱ از آن به عنوان منبعی برای قدرت نرم و اعتمادسازی میان ملت‌ها یاد کرده است. دو مفهوم دیپلماسی و علم روابط متقابلی با یکدیگر دارند؛ از یک طرف علم و فناوری می‌تواند در عصر جدید اهداف و دورنمای سیاست خارجی را تعیین کند و همکاری در روابط بین‌الملل را بهبود بخشد و از سوی دیگر، دیپلماسی می‌تواند زمینه‌های همکاری‌های بین‌المللی علمی و فنی را میان کشورهای مختلف تسهیل و فراهم سازد. البته هم‌زمان با ظهور عصر اطلاعات، چالش‌ها و مسائل جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل مطرح شده‌اند که بیش از پیش اهمیت دیپلماسی علم و فناوری به منظور حل و فصل آن را برجسته می‌سازد.

در جهان سیاست بین‌الملل کنونی، تنها بازیگران و محیط بین‌المللی دچار تحول نشده‌اند، بلکه دستور کار بین‌المللی نیز تحت تأثیر گسترش فناوری، تغییرات بسیاری به خود دیده‌اند. در چنین وضعیتی، به تدریج از اهمیت مسائل و موضوعات سنتی و به‌ویژه جنبه‌های سخت‌افزاری آن کاسته شده و همین کاهش توجه به امنیت سخت‌افزاری، موجب شده تا موضوعات متنوع و گوناگونی وارد گفتمان رویکردهای مختلف روابط بین‌الملل شود. این مسائل و موضوعات، چهره رنگارنگی را از بازیگران و محیط بین‌الملل ترسیم کرده و حتی موجب شده ساختارها و نهادهای بین‌المللی نیز از آنها تأثیر پذیرند. امروزه دنیای مدرن و روابط بین‌الملل با چالش‌های بزرگ و نوینی مواجه شده است - امنیت غذایی، عرضه آب آشامیدنی، مقابله با بیماری‌های واگیرداری همچون ابولا، کاهش تغییرات شدید آب و هوایی، چالش‌های شهرنشینی، ایجاد اقتصاد انرژی سبز، مسئله لایه اوزون، جلوگیری از انقراض تنوع زیستی و ... که نیازمند راه‌حل‌های نوین، فنی و بین‌المللی است.

چالش‌های و مسائل مشترک عصر جدید در روابط بین‌الملل، نیازمند ابزارها و شیوه‌هایی

است که دیپلماسی علم و فناوری با استفاده از مبادلات و همکاری‌های علمی و فنی میان کشورهای مختلف چنین ابزارها و استراتژی‌هایی را به منظور حل و فصل مسائل مشترک بین‌المللی فراهم می‌سازد. با توجه به اینکه چالش‌ها و مسائل جدید عرصه روابط بین‌الملل - از مسائل محیط‌زیست و امنیت غذا گرفته تا کاهش فقر و خلع سلاح هسته‌ای - ابعاد علمی و فناوریانه دارند و با عنایت به این موضوع که هیچ کشوری به تنهایی به از میان برداشتن چنین چالش‌هایی قادر نیست، دیپلماسی از طریق مبادلات و همکاری علمی و فنی میان کشورها می‌تواند زمینه‌های حل و فصل مسائل مشترک بین‌المللی را فراهم سازد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دیپلماسی با تکیه بر دو عنصر اصلی اطلاعات و ارتباطات، بیش از سایر مفاهیم روابط بین‌الملل در معرض تحولات ناشی از انقلاب سوم فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است. فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی با شکستن انحصار دولت‌ها در تعاملات بین‌المللی، افزایش توان ارتباطی بازیگران غیردولتی، افزایش توان تأثیرگذاری دولت‌ها بر افکار عمومی کشورهای دیگر و کاهش محدودیت‌های زمانی و مکانی در ارتباط دولت - ملت‌ها با یکدیگر، موجب تحول در مفهوم و شکل دیپلماسی سنتی شده‌اند، به نحوی که دیپلماسی از حالت رئال به وضعیت مجازی تغییر پیدا کرده و زمینه‌های شکل‌گیری اشکال جدید دیپلماسی، اعم از دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی نوین، دیپلماسی مجازی و دیپلماسی علم و فناوری را فراهم ساخته است.

در عصر جدید، دیپلماسی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای قدرت ملی کشورها تبدیل شده است. تحولات عصر ارتباطات با گسترش آگاهی‌ها و اطلاعات، باعث حضور بخش‌های خصوصی، غیردولتی، گروه‌ها و افراد در کنار دولت‌ها به منظور بهره‌گیری و انتفاع بیشتر در عصر جدید شده و ارتباطات و تعاملات را بسیار پیچیده و درهم تنیده کرده است. این پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی‌ها، عرصه رقابت را تنگ‌تر و سخت‌تر نموده و موجبات دانش‌محورتر و هدفمندتر شدن دیپلماسی شده است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری مهم با شناخت صحیح از تحولات جاری و رعایت یک سری قواعد و با روی آوردن به سیاست خارجی توسعه‌محور و همچنین با اتخاذ دیپلماسی فعال و منفعت‌محور می‌تواند از

فرصت‌های موجود در عصر اطلاعات بهره‌برداری مضاعف کند و آن را در راستای ارتقای قدرت ملی و رفاه عمومی شهروندانش به کار گیرد. با عنایت به سیاست‌های تعامل‌گرایانه دولت روحانی به‌ویژه در دوران پساتحریم، بهره‌گیری از روش‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در برقراری روابط دیپلماتیک و ارتقای شاخص‌های اقتصادی می‌تواند فضای کامیابی در عرصه سیاست خارجی را نیز فراهم سازد.

از این رو، با توجه به تحولات مزبور در عرصه دیپلماسی، بدون تردید دستگاه دیپلماسی کشور نمی‌تواند همچنان براساس ساختار تشکیلاتی و شیوه دیپلماسی سنتی به ایفای نقش مؤثر در جهان متحول پردازد. هم‌زمان با اضمحلال دیپلماسی سنتی و پیشرفت فناوری‌های دانش و اطلاعات، سرفصل‌های نوینی برای دیپلماسی کشورها گشوده شده که نیازمند بهره‌گیری از ابزارها و استراتژی‌های نوینی است. در چنین وضعیتی، موفقیت در مأموریت‌های دیپلماتیک نیازمند الزاماتی است که می‌باید از سوی دستگاه سیاست خارجی و دیپلمات‌ها مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین این الزامات عبارت‌اند از:

۱. فهم و شناخت مناسبات نوین و محدثات به‌وجود آمده در عرصه نظری و عملی دیپلماسی نیازمند درک عمیقی از پویایی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در سپهر سیاست بین‌الملل است.

۲. آموزش‌های فنی و اداری مناسب با شرایط متحول فناوری اطلاعات و کارکردهای جدید دیپلماسی از سوی کارگزاران سیاسی و دیپلماتیک باید در کانون سیاستگذاری دیپلماسی نوین قرار گیرد.

۳. با عنایت به فرسودگی شکلی و کارکرد دیپلماسی سنتی، کارگزاران سیاست خارجی کشور باید از الزامات چگونگی مواجهه و اعمال دیپلماسی عمومی، رسانه‌ای، سایبر دیپلماسی و دیپلماسی علم و فناوری آگاه باشند و چالش‌های آن نسبت به امنیت ملی را مورد توجه قرار دهند.

۴. به موازات تحول در مفهوم و کارکرد دیپلماسی سنتی، دستگاه سیاست خارجی کشور باید دستور کار خود را مورد بازبینی قرار دهد و موضوعات نوینی چون: فعالیت‌های تروریستی سازمان‌یافته، افراطی‌گری‌های مذهبی، چالش‌های زیست‌محیطی، مدیریت اطلاعات و اینترنت، اقناع افکار عمومی داخلی و جهانی را باید در دستور کار دیپلماسی عصر اطلاعات وارد سازند.

فرجام سخن اینکه، اگر دستگاه دیپلماسی کشور و دیپلمات‌ها در چنین عصری بخواهند

از عهده امور دیپلماتیک به صورت موفقیت آمیز برآیند، ضروری است تا در ارتباط با عصر دانش و فناوری، نسبت به مبنای دانش و مهارت خود به میزان کافی انعطاف پذیر باشند، مهارت بالایی در به کارگیری رسانه‌های الکترونیک و فضای مجازی کسب کرده و خود را نسبت به بازیگران نوین صحنه بین‌المللی از جمله شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های غیردولتی نیز متعهد سازند. ازسویی تصمیم‌گیران و دیپلمات‌های دستگاه سیاست خارجی باید از تمرکز بر حوزه خصوصی بین دولت‌ها خارج و به صورت روزافزون با عموم مردم و جامعه ارتباط پیدا کنند.

منابع و مأخذ

۱. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲). «عملیات روانی رسانه‌ای برای کنترل اذهان»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، ش ۳۴.
 ۲. خرازی آذر، رها (۱۳۹۳). «دیپلماسی رسانه‌ای؛ چالش‌ها و تعاملات رسانه‌ها و دستگاه‌های دیپلماتیک»، فصلنامه علمی - ترویجی رسانه، ش ۹۵.
 ۳. سجادپور، سیدمحمد کاظم و علی مهدی‌زاده (۱۳۹۳). «ضرورت‌های دیپلماسی در عصر فناوری»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، ش ۱۱.
 ۴. سجادپور، سیدمحمد کاظم و موسی‌الرضا وحیدی (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی نوین؛ چارچوب عملیاتی و مفهومی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۴.
 ۵. سیمبر، رضا و ارسلان قربانی (۱۳۸۸). «دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، ش ۴.
 ۶. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴). «از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۷.
 ۷. کاروثر، سوزان (۱۳۸۱). رسانه‌ها و فناوری ارتباطات؛ مسائل سیاست جهانی (مجموعه مقالات)، ویراسته برایان وایت، مایکل اسمیت و ریچارد لیتل، ترجمه سیدمحمد کمال سروریان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۸. کریس هیلزگری (۱۳۸۱). جنگ پست‌مدرن، سیاست نوین درگیری، ترجمه احمدرضا تقاء، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ.
 ۹. گنجی دوست، محمد (۱۳۸۷). «تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۱.
 ۱۰. گیلو، آیتان (۱۳۸۳). ارتباطات جهانی و سیاست خارجی، ترجمه یاسمن تقی‌بیگی، تهران، دانشگاه امام صادق.
 ۱۱. مورگنتا، هانس جی. (۱۳۷۴). سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات وزارت امور خارجه.
 ۱۲. موسوی موحد، علی‌اکبر و ابوالفضل یکانی بختیاری (۱۳۹۱). «دیپلماسی علمی و فناوری»، نشریه نشاءعلم، سال دوم، ش ۲.
 ۱۳. نصر، صلاح (۱۳۸۰). عملیات روانی، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، تهران، انتشارات سروش.
 ۱۴. نیک‌آئین، احسان (۱۳۸۸). «دیپلماسی عمومی؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، ش ۲.
 ۱۵. هادیان، ناصر و افسانه احدی (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، ش ۳.
16. Fulton, Barry (2002). *Leveraging Technology in the Service of Diplomacy*, George Washington University.

17. Gergen, David (2001). "Diplomacy in a Television Age: The Dangers of Teledemocracy", in Serfaty (ed.), *The Media and Foreign Policy*.
18. Gilboa, Eytan (2008). "Searching for a Theory of Public Diplomacy", *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 616.
19. Gilpin, R. (1987). *The Political Economy of International Relations*, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
20. Henrikson, Alan K. (2006). What can Public Diplomacy Achieve? Netherlands Institute of International Relations, Clingendael. http://www.clingendael.nl/publications/2006/20060900_cdsp_paper_dip_c.pdf (accessed September 21, 2008).
21. Herman, Edward S. and Noam Chomsky (1988). *Manufacturing Consent: the Political Economy of the Mass Media*, New York, Pantheon Books.
22. Kalb, Marvin (1991). 'Foreword', in Simon Serfaty (ed.), *The Media and Foreign Policy*, New York, St. Martin's Press.
23. Larson, James (1988). "Global Television and Foreign Policy", *Foreign Policy Association, Headline Series Journal*, No. 283, Vol. 58, No. 1.
24. Leguey, F. and R. Jean (2009). *The Dynamics of Diplomacy*, London, Lynn Rienner Publisher, Boulder London.
25. McDonald, W. and Diane Bendehme (eds.) (1987). *Conflict Resolution: Track Two Diplomacy*, Washington, DC: US Foreign Service Institute.
26. McNulty, L. (1993). "Television's Impact on Executive Decision-Making and Diplomacy", *The Fletcher Forum of World Affairs*, 17.
27. Melissen, Jan (2005). "Wielding Soft Power: The New Public Diplomacy, Netherlands Institute of International Relations, Clingendael", http://www.clingendael.nl/publications/2005/20050500_cdsp_paper_diplomacy_elissen.pdf (accessed July 14, 2008).
28. _____ (2006). *The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice*, New York, Palgrave Macmillan.
29. Minear, Larry, Colin Scott and Thomas G. Weiss (1996). *The New Media, Civil War and Humanitarian Action*, Boulder, Lynne Rienner.
30. Nye, J. R. and S. Joseph (2008). "Public Diplomacy and Soft Power", *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 616, No. 1.
31. Potter, Evan H. (2002). *Cyber-diplomacy: Managing Foreign Policy in the Twenty-first Century*, Montreal, McGill-Queen's Press.
32. _____ (2002). *Canada and The New Public Diplomacy*, International, Rawnsley, UK: Centre for the Study of Diplomacy, University of Leicester.
33. Rawnsley, Gary D. (1996). *Radio Diplomacy and Propaganda: The BBC and VOA in International Politics, 1956-1964*, London, Macmillan.
34. Rosenau, James N. (1990). *Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity*, Princeton: Prinostom University Press.
35. Rothkopf, David J. (1998). "Cyberpolitik: The changing Nature of Power in the Information Age", *Journal of International Affairs* 51, No. 2.
36. Ruggie, John Gerard (1993). "Territoriality and Beyond: Problematizing Modernity in International Relations", *International Organization* 47.

37. Saddiki, Said (2006). "Diplomacy in a Changing World", *Turkish Journal of International Relations*, Vol. 5, No. 4.
38. Saner, Raymond and Lichia Yiu (2003). "International Economic Diplomacy: Mutations in Post-modern Times", Clingendael, Institute Netherlands Institute of International Relations (January 2003). Available at: http://www.clingendael.nl/publications/2003/20030100_cli_paper_dip_issue84.pdf.
39. Smith, Gordon (2001). "Reinventing Diplomacy: A Virtual Necessity, Virtual Diplomacy Series" (Funerary 25, 1999). Available at: <http://www.usip.org/oc/vd/vdr/gsmithISA99.html>, accessed July 30, 2001.
40. _____ (2000). "Reinventing Diplomacy: A Virtual Necessity", Virtual Diplomacy (US Institute of Peace), Serie No.6, Available at Site web: <http://www.usip.org/virtualdiplomacy/publications/reports/gsmithISA99.html>.
41. Stoler, Peter (1986). *The War Against Press: Politics, Pressure and International in the 86's*, New York, Podd, Meadand co.
42. Sucharipa, Ernest (2003). 21st Century Diplomacy, [http://diplomacy.edu/lms/pool/BD %20 materials/Sucharipa.htm#_ftn1](http://diplomacy.edu/lms/pool/BD%20materials/Sucharipa.htm#_ftn1), Accessed on August 15, 2008.
43. Susan, Corruthers (2002). *The Media at War*, New York, St. Martin's Press, 2000.
44. The Royal Society (2010). *New Frontiers in Science Diplomacy*, London.
45. Van Dinh, Tran (1987). "Communication and Diplomacy in a Changing World", Published by Ablex Pub. Corp. in Norwood, N. J.
46. Watson, Adam (1984). *Diplomacy: The Dialogue Between States*, Reprint Edition, Published by McGraw-Hill Book Co (1983).
47. Wolf, Charles Jr., Brian Rosen (2004). Public Diplomacy: How to Think about and Improve It, RAND Corporation.
48. Wotton, Henry (1992). *Hamlet's Moment: Drama and Political Knowledge in Early Modern England*, First Edition, Rewritten By G. Berridge, Oxford University Press.
49. Zacher, Mark W. (2000). "The Declining Pillars of the Westphalian Temple: Implication for International Order and Governance", in *New Political Economy Globalization*, Edited by Richard Higgott and Anthony Payne, Vol. 1. Cheltenham: Edward Elgar.